حفاظت و مرمت آثار موزه بهزاد
تهیه کننده: مینا خدابخش

مقدمه

مجموعة حاضر در موزة بهزاد شامل تعداد زيادي از آثار نگارگری این هنرمند معاصر و پرآوازة ايراني است که توسط خانواده هنرمند به موزه‌اهدا شده است. به مرورزمان وبه دلیل جابه جایی های فراوان این آثار دچارآسیب شده بودند. ارزش هنري تابلوها و عدم برگشت پذيري آسيب‌هاي وارده به تابلوهاي مينياتور ما را بر آن داشت که قدمي اساسي در جهت حفاظت و مرمت تابلوهاي اين مجموعه برداشته شود.

- در آغاز اين راه از آقاي حميد ملكيان كارشناس و مسئول كارگاه مرمت كتابخانه مجلس براي آسيب‌شناسي و مرمت اين مجموعه دعوت به عمل آمد و پس از كارشناسي به اين نتيجه رسيديم كه تعدادي از تابلوها نياز ضروري به مرمت داشته و از دست دادن زمان آسيبهايي جبران ناپذير به آنها وارد مي آورد، سپس اين تعداد تابلو در مرحله اول مرمتي قرار گرفت و در سال ٨٤ و ٨٥ اين تابلوها مرمت شد و در سال ٨٥ و ٨٦ باقيماندة مجموعة موجود در موزة بهزادمورد استحكام بخشی و مرمت قرارگرفت كه مراحل انجام كار به شرح ذيل است:

- **شرح حال میناتوریست شهیر ایران**

در ابتداي براي آشنايي بيشتر با ارزش هنري تابلوهاي مرمت شدة موزه استاد حسين بهزاد شرح حال و سبك هنري اين استاد را مورد بررسي قرار مي‌دهيم.

استاد حسين بهزاد در سال ١٢٧٣ شمسي برابر با ١٨٩٤ميلادي در تهران متولد شد. جدش ميرزا لطف الله واعظ مسجد وكيل شيراز بود. و پدرش ميرزا فضل‌الله اصفهاني نقاش و قلمدان ساز ساكن تهران از هفت سالگي پدرش وي را نزد ملاعلي قلمدان ساز در مجمع‌الصنايع به شاگردي گذاشت. در مدت كوتاهي پدر و استادش به مرض وبا درگذشتند. و وي زير نظر ميرزا حسن پيكرنگار كه شاگرد بزرگ ملاعلي بود بمدت دوازده سال كار كرد در هيجده سالگي مستقلاً در حجره‌اي در سراي حاج رحيم‌خان در بازار توتون فروشها مشغول به كار شد. در اين زمان بهزاد اغلب به سبك مينياتورهاي مكتب صفوي و آثار كمال‌الدين بهزاد و رضا عباسي كار مي كرد و در اين كار آنچنان استادي از خود نشان مي داد كه تشخيص آن از كار اساتيد گذشته مشكل بود. در سال ١٢٩٧ شمسي ازدواج كرد تنها ثمرة آن فرزندي است بنام پرويز. استاد بهزاد در سال ١٣١٤ روانه پاريس شد و در مدت سيزده ماه اقامت در فرانسه بمطالعه هنر دنياي غرب پرداخت و مقداري از وقت خود را در موزه‌هاي لوور و گيمه و ورساي صرف يادگيري و مطالعه كارهاي اساتيد هنر نقاشي ميگذراند و بقيه وقتش را صرف امرار معاش و تهيه تابلوهاي مينياتور به سفارش چند تاجر كليمي ايراني ميكرد. ثمره اين كار و كوشش و مطالعه پايه‌ريز سبكي جديد درهنر مينياتور اين سرزمين شد كه نه تقليد از كار استادان گذشته بود و نه خارج از قواعد هنر مينياتور، به گفته بهزاد «مطالعه من در سبكهاي مختلف نقاشي ايراني و خارجي بدين منظور بود تا سبكي بوجود بياورم كه ايراني باشد ضمناً با هنر امروز تطبيق كند. شيوه نقاشي مينياتور كه بصورت تقليد غلط و ناپسندي درآمده بود رفته رفته از بين ميرفت، من كوشش داشتم سبكي بوجود آورم تا اين هنر ملي فراموش نشود».

سبك بهزاد:

استاد حسين بهزاد بي‌ترديد بزرگترين و پرآوازه‌ترين مينياتوريست قرن حاضر بود.

ابداعات وي عبارتند از: طرد چهره‌هاي متحدالشكل و قالبي مغولي از مينياتور و جايگزيني آن با قيافه‌ها و آناتومي ايراني نه بصورت متحدالشكل، بلكه متفاوت و رعايت آناتومي معقول در حدي كه به مينياتور لطمه نزند، رعايت دوري و نزديكي به صورتي قياسي و نه بصورت قوانين مناظر و مزايا و همچنين ابداع تصاوير با رنگ سفيد بر زمينه سياه، خارج كردن اندازه مينياتور از حد كتاب و مطرح كردن به صورت تابلوي منفرد و از جمله قدرت بخشيدن به خط به صورت تند و كند و استفاده آزاد از رنگ حتي استفاده از يك رنگ به صورتي سير و روشن و نهايتاً منعكس ساختن حالات روحي و دروني چهره‌ها، استاد حسين بهزاد تا به حدي مينياتور، اين هنر اصيل و ارزشمند ايراني را تعالي بخشيد و چندان به رمز و راز آن دست يافت كه نه تنها نام خود بلكه نام اين هنر ملي را در دنيا بلند آوازه ساخت. بهزاد شاعر رنگها بود

او با رنگ، شادي مي‌آفريد و غم پديد مي‌آورد. آزادي احساس در هنر وي بجائي رسيده بود كه طبيعت را به هرگونه كه مي‌خواست جان مي داد و جهاني از رويا مي آفريد.
هنر بهزاد از ادبيات پرشكوه و غني ايران و از انديشه عارفان و شاعران نازك خيال مايه گرفته است. شهرت و معروفيت وي در مجامع هنري جهان باعث گرديد كه تا نمايشگاههائي از آثار او در جاي جاي جهان تشكيل شود و با اهداء نشانهای ممتاز بر هنر وي ارج نهاده شود. نويسندگان ودانشمندان و شاعران بارها با تكريمي شايسته و اشعاري نغز هنر بزرگ وي را ستايش كردند.

آسيب شناسي آثار

پس از بررسی تابلوهای موزه بهزاد عوامل متعددی را می توان در تخریب این آثار نام برد که یکی از این عوامل تنوع تکنیکی آثار می باشد اغلب این آثارباتکنیکهای طراحی مدادی ، پاستل ، سیاه قلم ، سفید قلم ،نقاشی روی فیبر ، آبرنگ ، گواش ،نقاشی روی کاغذ پوستی و...کارشده اند.
پایه و زمینه این آثار از جنسهای نا مرغوب بوده که باعث شکنندگی رنگها شده ودراثر جابجائی این آثار و همچنین رطوبت محیط تاثیرات بسیار منفی و تخریبی برروی آنها ایجادشده بود که مسئولین مجموعه در کنار مرمت آثار تصمیم به مرمت ساختمان گرفتند تا کلیه عوامل موثر در تخریب آثار را تحت نظارت قرار داده و محیطی امن برای آثار فراهم آورند. علت دیگر این آسیبها شکننده بودن رنگهاي اين تابلوها مي‌باشد كه مربوط به تكنيك نقاشي و رنگهاي استفاده شده است.

ریختگی رنگ

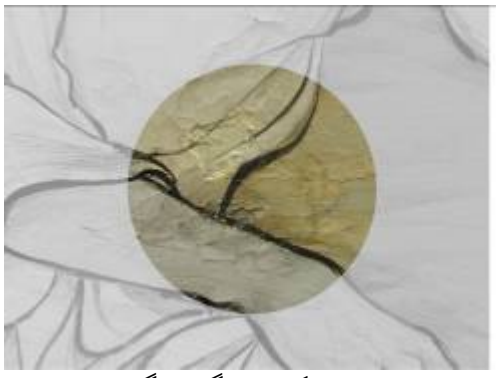

ترک خوردگی رنگ

در بررسي اين آثار مشاهده شد كه هنرمند با استفاد از لاية ضخيم رنگ گواش و حتي در بعضي نقاط گذاشتن چند لاية رنگ روي هم براي پوشاندن سطح قبلي با عوض كردن طرح‌زيرين نقاشي، ترك خوردن رنگها را تشديد كرده است و در بعضي مواقع حتي باعث ريختگي بعضي نقاط از نقاشي هم گرديده، با اينكه جبران زمينة ريختگي رنگها امكان پذير بود اما بدليل تعهدات مرمتي كارشناس مربوطه از بازسازي كامل كه نياز به ريزپردازي داشت امتناع شد تا اصالت كامل اثر حفظ شود.
در اكثر تابلوها ريز تركها را مي‌توان مشاهده كرد كه با استحكام بخشی تابلو ها از روند ترك خوردن جلوگيري شد همچنين اين استحكام بخشی باعث عدم نفوذ رطوبت به تابلوها گرديد.

ریختگی رنگ

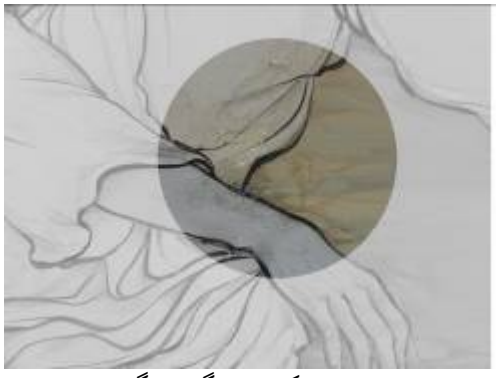

ترک خوردگی رنگ

در آثار بهزاد بدليل عدم استفاده از كاغذهاي مناسب براي نقاشي آسيب‌هاي جدي مشاهده مي شود، جنس بعضي از اين كاغذها از مقواهاي نامرغوبي است كه اغلب پاره‌شدگي و لب پريدگي در آنها ديده مي‌شود.

پارگی مقوا

کمبود گوشه اثر

بعضي از اين زمينه‌ها ازجنس كاغذ پوستي بود كه بسيار حساس و شكننده است و حتي در همان موقع نقاشي بدليل اينكه پايه رنگ آب بوده دچار تورم شده و نفوذ رطوبت هوا هم در اثر گذشت زمان به اين آسيبها افزوده شده است.
بعضي از اين آثار روي فيبر كار شده اند كه مشكل اساسي اين نقاشي‌ها همان قطر زياد رنگ است.
تعدادي ديگر از اين تابلوها عكسها و ديپلمهاي افتخار هستند كه جنس اين آثار بعضاً كاغذ روغني و يا كاغذ عكاسي است كه موجب محدوديت انتخاب مواد مرمتی می شود.
در ضمن تعدادي از اين آثار كه روي كاغذ پوستي يا كاغذهاي بسيار نازك بودندروي يك پايه مجدد نامرغوب ديگر چسبانده شده كه پس از بررسي نياز به تعويض اين كاغذها براي حفظ اثر مشاهده شد.

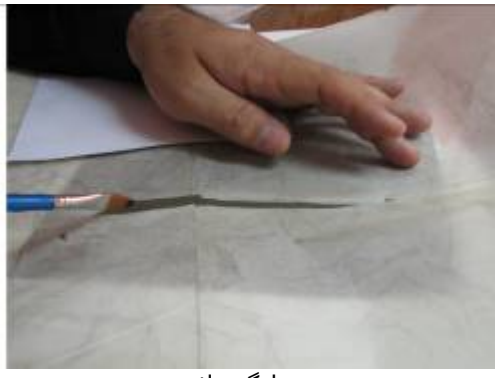

پارگی اثر

مرمت اثر

در بعضي از اين تابلوها از چسبهاي كاغذي و غيره استفاده شده بود كه مواد چسبنده اين چسبها خود آسيبهايي به تابلو وارد كرده بود و در نقاطي حتي رنگ كاغذ را عوض كرده بود و غيرقابل بازگشت بود.

آثار چسب روی اثر

در تعدادي از تابلوها فضولات حشرات و آلودگی هایی وجودداشت كه قبل از استحكام بخشی اين آلودگی ها برداشته شدند..

مراحل مرمتي

پس از بررسي و آسيب‌شناسي آثار مجموعة بهزاد، مرمت و استحكام بخشي اين آثار شروع شد .در فاز اول مرمت بيشتر تابلوهايي انتخاب شدند كه دچار ريختگي رنگي شديدی بودند و اگر زمان از دست

می رفت ممکن بود به این ریختگي‌ها آنقدر افزوده شود که‌آسیبهاي وارد آمده جبران ناپذیر شوند. غیر از ریختگي رنگ تعدادمحدودی از تابلوها در اثر جذب رطوبت، کپك روي آنها دیده مي‌شد بنابراین براي شروع مرمت ابتدا آثاري که داراي ریختگي و ترك خوردگي رنگي بودند از نظر ترکیب رنگي تست شدند و تابلوهایي که مي‌بایست با قلم مو استحکام بخشی شوند با استفاده از ماده متیل متاکریلات که با حلال تولوئن رقیق شده بود مورداستحکام بخشی قرارگرفتند، در ضمن قبل از انجام استحکام بخشی ماده متیل متاکریلات آزمایش شده و میزان غلظت آن بر حسب نوع تابلوها تعیین گردید.
براي تابلوهایي که نیازمند به پاشیدن یکنواخت مواد استحکام بخشی بود، پمپ هوا تهیه و با استفاده از پمپ، این عملیات انجام شد.

استحکام بخشی با پمپ

ادامة تخریب ریز ترکها و ترك خوردگیها با استحکام بخشي کاملاً متوقف شد و این کار باعث عدم نفوذ رطوبت و استحکام کامل رنگها خواهد شد ولي در بعضي از نقاشیها که مقداري از رنگ ریخته شده بود باید زمینه خالي یکنواخت مي‌گردید و یك بازسازي رنگي با تعهد کامل مرمتي انجام مي شد موادي که این زمینه‌ها را پر کرد با نظر کارشناس مربوطه انتخاب شد و در نقاط مختلف متفاوت بود ولي سعي شد اغلب تنها از خود رنگ غلیظ براي اینکار استفاده شود و سپس همرنگ گردد.
بخاطر استفاده کاغذ پوستي در بعضي از زمینه‌ها و گذشت زمان این کاغذها دچار ناهمواري سطحي گشته بودند که مي‌بایست با دقت کامل این ناهمواریها مسطح گشته تا آمادگي لازم جهت قاب کردن پیدا کند بعضي از این ناهمواریها توسط آبرون و بعضي دیگر توسط پرس مسطح گردید. جاهایي بود که این کاغذهاي پوستي بعلت نازکي و شکنندگي دچاره پارگي شده بودند که با استفاده از کاغذ تیشوي بدون چسب این پارگیها برطرف گردید و سپس استحکام بخشی شد.

مرمت آثار پوستی

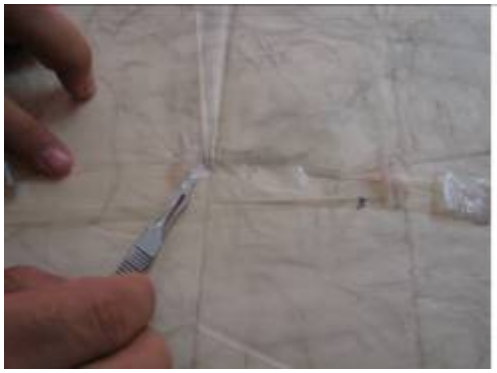

برداشتن چسب از روی اثر

براي تابلوهایي که نیازمند به پاشیدن یکنواخت مواد استحکام بخش بود پمپ هوا تهیه گردید و با استفاده از پمپ، این عملیات انجام شد.
مقداري از تابلوها داراي آلودگیهاي ناشي از گرد و خاك، دوده و اثر دست و... بود که بهترین راه براي پاك کردن این آلودگیها پودر پاك کن و در بعضي مواقع از خود پاك کن نرم استفاده شد و آثار این آلودگیها به صورت خیلي دقیق برداشته شد لازم به ذکر است که این مرحله بسیار با دقت انجام گردید زیرا در بعضي از قسمتهاي مرمتگر مي‌بایست حتي آثار این طراحیها حفظ مي‌گردید.
بعلت استفادة زیاد از مقوا براي زمینة نقاشیها آسیبهاي زیادي در این گروه دیده مي‌شد که علت آسیبها متفاوت بود، مثلا گوشه این تابلوها به علت اینکه در هنگام جابه‌جایي تابلوها بیشترین فشار جابه‌جایي به گوشة اثر وارد مي‌شود شکستگي در این ناحیه بسیار زیاد دیده مي شد ولي علت دیگر آسیبهاي وارده بعلت جذب رطوبت و از بین رفتن بست مقوا در کناره‌هاي تابلوها بود که باعث شده بود

كاغذهاي مقوا چند لايه گردد و براي مرمت آن نيازمند چسباندن اين لايه‌ها به يكديگر بوديم كه از چسب كربوكسي متيل سلولز استفاده شد و سپس پرس گرديد.

بازسازی گوشه های کاغذ

در بعضي از پارگيهاي نقاشي‌ها از كاغذ تيشو براي مستحكم كردن آنها استفاده شد گوشة بعضي از اين آثارها دچار كمبود بود كه با استفاده از مقواهاي بدون اسيد تمام گوشه‌ها بازسازي گرديد. سپس همرنگ شد و نه تنها اينكار به زيبايي ظاهري اثر كمك كرد بلكه روند تخريب را كاملاً متوقف نمود.

قبل مرمت

بعد از مرمت

روي بعضي از تابلوها آثار باقيمانده از چسبهاي نواري يا كاغذي ديده مي‌شد كه اين لكه‌ها با استفاده از حلالها تا جايي كه به اثر آسيب نمي‌رسيد پاك شد و كم رنگ گرديد، البته تكه‌هاي چسب به صورتهاي كوچك و منفرد هم مشاهده گرديد كه براي از بين بردن اين لكه‌ها از راههاي فيزيكي و شيميايي استفاده شد در بعضي از تابلوها كه آلوده به فضولات حشرات بودند، تنها از روش فيزيكي با استفاده از تيغ پيستوري به صورت ويبره كردن نه كشيدن روي كاغذ انجام گرديد. كه اين كار براي يك تابلوي بسيار كوچك ۲ روز اداري تمام زمان برد.

برداشتن فضولات حشرات

پيشنهاد حفاظتي

در آخر نتيجه مي‌گيريم به علت اينكه دو عامل مهم اول عامل فيزيكی و ديگر عامل شرايط محيطی بسيار در حفاظت آثار بهزاد با اهميت بوده بنابراين با در نظر گرفتن اين دو عامل و تعمير ساختمان موزه كه سعی می شود شرايط محيطی استانداردی فراهم گردد و قاب كردن كليه تابلوها كه باعث نظارت

بیشتر بر شرایط فیزیکی آنها می شود بنابراین آسیبهاي وارده فیزیکي بوده و در اثر جابه‌جایي تابلوها و آثار حاصل گردیده و انجام این عملیات در حفظ آثار گامی بلند می باشد.
ولي براي جلوگیري از آسیب رسیدن به کلیه آثار مجموعه ها مهمترین مسئله‌اي که در هر مجموعه‌اي باید در نظر گرفته شود آموزش به نیروهاي خدمات و افرادي که به موزه داران براي این جابه‌جایي ها کمك مي‌کنند است که متاسفانه در هیچ یك از موزه‌هاي ما تا بحال حاضر در نظر گرفته نشده است آیا بهتر نیست هرگروه نیروي خدماتي که جذب موزه‌هاي ما مي‌شوند مثل دیگر پرسنل مجموعه حداقل چند ساعتي دربارة اهمیت خدمتشان و همچنین نوع رفتاري که با آثار دارند توسط افراد مسئول و مجرب سازمان دوره ببینند تا ما کمتر شاهد این آسیبها باشیم و در آخر هرگونه هزینه‌اي که ما براي حفاظت آثار انجام مي‌دهیم نتیجة اقتصادي، هنري و... آنرا در هنگام مرمت و نمایش آثار بدست مي‌آوریم.